

مفهوم سنجی واژه ترتیل در علوم اسلامی (لغت، تفسیر، حدیث، قرائت و فقه)*

قاسم بستانی^۱

چکیده:

«ترتیل» که در قرآن و در خصوص نحوه خواندن قرآن در دو موضع قرآنی به کار رفته، از دیرباز اصطلاحی کلیدی و مرجع برای ارزیابی درستی و نادرستی خواندن قرآن شد و این در حالی است که هم در تعریف ترتیل و هم در عمل و مصداق آن اختلاف شده است؛ هرچند همه مدعی آن اند که تعریف و عمل آنها متجلی در قرائت قرآن، مصداق ترتیل است. اما همچنان این پرسش‌ها مطرح است که حقیقت تعریف ترتیل و مراد از آن عملاً چیست.

در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و نیز کتابخانه‌ای، به گردآوری، تحلیل و مقایسه داده‌ها، به اتکای مهم‌ترین مصادر معناشناسی این واژه، یعنی علوم لغت، حدیث، تفسیر، قرائت و فقه، معنای ترتیل واکاوی شده و تلاش گشته به این پرسش‌ها پاسخ داده شود. حاصل این تحقیق آن است که معنای ترتیل و مراد از آن در قرآن، خواندن صحیح و دقیق حروف و کلمات به صورت شمرده و همراه با تائی است.

کلیدواژه‌ها:

ترتیل / لغت / حدیث / تفسیر / قرائت / فقه

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۱۹.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2019.53101.2344

واژه «ترتیل» از واژگان پرکاربرد در حال حاضر در خصوص نحوه قرائت قرآن است و تلاش آن است که قرآن به نحوی خوانده شود که معنای ترتیل و مراد از آن، بر این خواندن منطبق باشد تا هر چه بهتر و بیشتر منطبق با ادا و تلفظ توقیفی و مراد باشد؛ زیرا چنین قرائتی، بنا بر تصریح قرآن، قرائت خداوند (فرقان: ۳۲) و پیامبرش (مزمّل: ۴) است.

اما اینکه ترتیل بر چه نوع قرائت و خواندنی دلالت دارد و مراد خداوند در قرآن دقیقاً چه نوع قرائتی است، عموم مسلمانان از آن، قرائتی با دقت و فصاحت همراه تفکر و بعضاً با صوتی حزین برداشت می‌کنند. همچنان‌که نزد علوم مختلف اسلامی، معانی مضیق و موسّع یافته است و در نهایت، به نظر می‌آید معنای اصلی که قرآن به کار برده و با وجود شهرت این اصطلاح، تلاش مسلمانان در معناشناسی آن، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار داد و دقیقاً گفته نشده که مراد خداوند از ترتیل، چه می‌باشد.

در این مقاله، با مراجعه به لغت که مبنا و پایه فهم هر لغتی است، و حدیث که بیان معصوم از مراد قرآنی است، و تفسیر که بیان اصحاب، تابعان و دانشمندان قرآن‌شناس از مراد قرآنی است، و در نهایت، فقها که سخت در تلاش‌اند تا عمل مؤمنان منطبق بر خواست و مراد الهی باشد، تلاش می‌شود معنا و مراد قرآنی این لفظ شناسایی و نسبت آن با عمل مسلمانان بیان گردد. یادآور می‌شود در علمی مانند لغت، تفسیر، قرائت و فقه، به معانی ذکر شده در دیگر علوم نیز اشاره می‌شود. اما در این مقاله، تلاش می‌شود از هر دانشی، فقط آنچه که تحت عنوان آن دانش شناخته می‌شود، ذکر شود.

ترتیل در لغت

ترتیل در کتب لغت، تقریباً به اشکال زیر تعریف شده که به ترتیب قدیمی‌ترین اثر ذکر می‌شوند و متذکر می‌شود که چنانچه برای برخی از معانی، ارجاعات محدودی وجود دارد، از آن جهت است که چنین معنایی فقط در آن ارجاعات دیده شده، نه آنکه محدوده تحقیق، همان ارجاعات بوده است. همچنین یادآور می‌شود معنای لغوی لفظ، از آنجا که از معانی پایه‌ای و مرجع است، از این‌رو در علمی چون قرائت، تفسیر و فقه، عموماً به ذکر معنای لغوی ترتیل در ابتدا یا ضمن مباحث مرتبط می‌پردازند.



- ۱- خواندن به تمهّل و تأنّی (با درنگ و بدون شتاب) و تحسین تألیف و تبیین [در ادای حروف]. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ص ۱۱۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵).
- ۲- خواندن به ترتیب و پی‌درپی حروف و مترادف با «ترسّل» در معنای پی‌درپی خواندن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ص ۱۱۳؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۱۲: ص ۲۷۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۲۹: ص ۷۶) که همان معنای شمرده خواندن است.
- ۳- خواندن به تبیین (آشکار کردن) به فصل (جداجدا کردن، شمرده) حروف از یکدیگر. (ابن قتیبه، ۱۳۹۸ق: ص ۲۶۲؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ص ۲۴۲)
- ۴- خواندن به تمهّل و تأنّی (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۱: ص ۳۹۴؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۱۲: ص ۲۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ص ۲۴۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۲۹: ص ۳۳؛ طریحی، ۱۳۶۷، ج ۳: ص ۱۴۲) و مترادف با «ترسّل» به معنای تمهّل. (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۱: ص ۳۹۴؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۱۲: ص ۲۷۴؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ص ۲۴۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: صص ۱۰۰۳، ۱۰۰۶؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۲۹: ص ۷۶).
- همچنان که ملاحظه می‌شود، برای «ترسّل» دو معنا گرفته شده و در هر دو، ترتیل را معادل آن دانسته‌اند.
- ۵- خواندن به تمهّل و تبیین حروف و حرکات با دادن حق حروف از اشباع و بدون اجحاف (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۱: ص ۳۹۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۱۷۰۴؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۲: ص ۱۶؛ ابن مطرّز، ۱۹۷۹، ج ۱: ص ۳۲۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵؛ طریحی، ۱۳۶۷، ج ۳: ص ۱۴۲)؛ به گونه‌ای که شنونده بتواند آنها را بشمارد. (همان)
- ۶- خواندن به تبیین، تحقیق و تمکین (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵). هرچند که توضیح دقیقی نسبت به دو اصطلاح اخیر داده نشده، اما با توجه به دیگر تعریف‌های لغت‌شناسان، این هر سه اصطلاح با نحوه ادای حروف و حرکات و با دقّت و صحّت ادا کردن آنها مرتبط است.
- ۷- خواندن به تباعد میان حروف (ابن سیده، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۱۲۹) که همان معنای جداجدا خواندن است.
- ۸- ارسال کلمه از دهان به روانی و استحکام (راغب، ۱۴۰۴ق: ص ۱۸۷) که همان معنای تبیین است.

۹- رعایت متابعت میان حروف مرکب (جرجانی، ۱۴۰۳ق: ص ۵۵) که همان معنای پی‌درپی و مرتب خواندن است.

۱۰- تحسین تألیف حروف (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ص ۱۰۰۳).

با توجه به تعاریف بالا از واژه ترتیل، آشکار می‌شود که در لغت و از دیرباز، این واژه به معنای ادای خوب و آشکار یا همان تبیین حروف و حرکات به کار رفته که از مستلزمات آن، همچنان که برخی بدان اشاره کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵)، شمرده و با درنگ ادا کردن حروف و حرکات است که بعضاً (معنای بند ۵) همین معنا را در کنار آشکار ادا کردن حروف قرار داده‌اند.

از سوی دیگر، عموم لغت‌شناسان چنین معنایی را به معنای اشتقاقی این لفظ که مرتب بودن و به‌خوبی و زیبایی کنار هم چیده‌شدن اشیاء است، چون دندان‌ها و گیاهان، ارجاع می‌دهند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ص ۱۱۳؛ ابن قتیبه، ۱۳۹۸ق: ص ۲۶۲؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ص ۲۴۲؛ ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۱: ص ۳۹۴؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۱۷۰۴؛ ابن سیده، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۱۲۹؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۲: ص ۱۶؛ ابن مطرز، ۱۹۷۹، ج ۱: ص ۳۲۰؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ص ۲۴۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۲۶۵؛ طریحی، ۱۳۶۷، ج ۳: ص ۱۴۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ص ۱۰۰۳).

به همین جهت باید گفت از نظر لغت‌شناسان، ترتیل به معنای ادای نیکو و آشکار حروف و حرکات همراه شمرده ادا کردن آنها و مأخوذ از معانی اصلی آن، یعنی مرتب بودن اشیاء می‌باشد.

ترتیل در حدیث

پیش از ذکر احادیث مربوط به ترتیل، یادآور می‌شود در اینجا صرفاً به احادیثی پرداخته می‌شود که در آنها لفظ به ترتیل تصریح شده باشد. همچنین از نقد متن یا سند مگر به‌طور اجمالی خودداری شده؛ زیرا هدف مقاله، استخراج معانی لفظ ترتیل در میراث علمی مسلمانان به‌طور مطلق است.

۱. حدیث الترتیل

مشهورترین حدیث در تعریف ترتیل، حدیث الترتیل است که به تعبیر مختلف اما نزدیک به هم، از دیرباز نقل شده که با توجه به تبارشناسی صورت گرفته، از جهت



سند، تردید جدی وجود دارد که این حدیث از قول معصوم علیه السلام هر چند به طور ظنی باشد. این حدیث به اشکال زیر ذکر شده است:

۱- «التَّرْتِیلُ: مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ وَ تَحْقِيقُ الْحُرُوفِ». این تعبیر مرسل بوده و ظاهراً اولین بار توسط هذلی (م ۶۵ق) از ابوحاتم سجستانی (۲۵۵ق) از امام علی علیه السلام ذکر شده (هذلی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۳۲) و در دیگر منابع اسلامی دیده نشده است. ضمناً فاصله میان هذلی، سجستانی و امام علی علیه السلام نیز حدود دو قرن به دو قرن است که بسیار طولانی است و نمی توان چنین شکلی از انتساب را به راحتی پذیرفت. در این تعبیر، از لفظ «تحقیق» به جای «تجوید» (در دیگر تعابیر) استفاده شده است.

۲- «التَّرْتِیلُ: مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ وَ تَجْوِیدُ الْحُرُوفِ». این تعبیر، مرسل بوده و باز ظاهراً نخستین بار هذلی و به نقل از امام علی علیه السلام ذکر کرده (هذلی، ۱۴۲۸ق: ص ۹۳) و در دیگر منابع اسلامی دیده نشد. ضمناً این حدیث، با فاصله چهار قرن از امام علی علیه السلام نقل می شود.

۳- «التَّرْتِیلُ: آدَاءُ الْحُرُوفِ وَ حِفْظُ الْوُقُوفِ». این تعبیر، مرسل و بدون انتساب به کسی بوده و ظاهراً نخستین بار کرمانی (م ۵۰۵ق) (کرمانی، بی تا، ج ۲: ص ۱۲۶۶) و نیز میبیدی (م ۵۳۰ق) (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ص ۲۶۶) و سپس برخی از شیعیان (مازندرانی، ۲۰۰۰، ج ۱۰: ص ۴۴۹) آن را نقل کرده، اما بعدها برخی از متأخران شیعه آن را به امام علی علیه السلام نسبت داده اند. (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ص ۳۹۱؛ موسوی، ۱۳۸۱: ص ۱۷)

۴- «التَّرْتِیلُ: تَبْیِینُ الْحُرُوفِ وَ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ إِشْبَاعُ الْحَرَكَاتِ». این تعبیر نیز مرسل و غیر منتسب به کسی بوده و ظاهراً فقط توسط نسفی (م ۷۱۰ق) از اهل سنت ذکر شده است (نسفی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ص ۵۵۶) و نسبت به تعابیر پیشین، افزوده ای دارد که همان «إشباع الحركات» است.

۵- «التَّرْتِیلُ: حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ آدَاءُ الْحُرُوفِ». این تعبیر، مرسل بوده و ظاهراً نخستین بار توسط سمرقندی (م ۷۸۰ق) و با انتساب آن به ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است (سمرقندی، ۱۴۲۰ق: ص ۶۰). اما بعدها شیعه در انتساب آن به شرح زیر اختلاف کردند: الف- بدون انتساب آن به فردی یا گروهی (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ص ۳۳۴). ب- ابن عباس (شهید ثانی، بی تا: ص ۲۶۸). ج- بعضی اصحاب (مازندرانی، ۱۹۹۰، ج ۱۱: ص ۲۰). د- امام علی علیه السلام (کاشانی، ج ۶، ص ۳۴۹، ج ۱۰، ص ۴۵؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۶۴: ص ۳۲۳، ج ۸۲، ص ۸). ه- منقول خاص و عام (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۸۲: ص ۸؛



نمازی، ۱۴۱۹ق، ج: ۴؛ ص ۷۱) و- پیامبر ﷺ (حکیم، ۱۴۰۴ق، ج: ۶؛ ص ۲۷۴). ضمناً این تعبیر با فاصله هفت قرن از صدر اسلام ذکر می‌شود.

۶- «التَّرْتِيلُ: حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ بَيَانُ الْحُرُوفِ». این تعبیر نیز نخستین بار توسط سمرقندی و با انتساب آن به امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است (سمرقندی، ۱۴۲۰ق: ص ۶۰)، اما بعدها باز شیعه در انتساب آن به این شرح اختلاف کردند: الف- امام علی علیه السلام (شهید ثانی، بی تا: ص ۲۶۸؛ بیگلی، ۱۳۵۱: ص ۱۴۴). ب- ابن عباس (مجلسی، ۱۹۸۳، ج: ۸۲: ص ۸) نسبت داده شده و برخی نیز آن را حدیث خاصه و عامه از امام علی علیه السلام و ابن عباس دانسته‌اند (مجلسی، ۱۹۸۳، ج: ۸۲: ص ۸؛ نمازی، ۱۴۱۹ق، ج: ۴؛ ص ۷۱)، یا گفته‌اند که چه بسا اصل این تعبیر از اهل سنت باشد که شیعیان آن را از آنها گرفته‌اند (محقق بحرانی، بی تا، ج: ۸؛ ص ۱۷۴) که در حقیقت نیز چنین است و نخستین بار این تعبیر نزد سمرقندی از اهل سنت مشاهده شده است. ضمناً تفاوت این تعبیر با تعبیر پیشین که هر دو از سمرقندی است، فقط «أداء» و «بیان» می‌باشد و می‌توان گفت که کلاً یک تعبیر نزد او بوده است.

۷- «التَّرْتِيلُ: رِعَايَةُ مَخَارِجِ الْحُرُوفِ وَ حِفْظُ الْوُقُوفِ». این تعبیر، مرسل و بدون انتساب به کسی بوده و ظاهراً برای نخستین بار توسط جرجانی (م ۸۱۶ق) ذکر شده (جرجانی، ۱۴۰۳: ص ۵۵) و فقط نزد اهل سنت دیده شده است.

۸- «التَّرْتِيلُ: تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَ مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ». ظاهراً ابن الجزری (م ۸۸۳ق) و با فاصله نُه قرن از صدر اسلام، نخستین کسی است که این تعبیر را نقل کرده و آن را به صورت مرسل به امام علی علیه السلام نسبت داده است (ابن الجزری، بی تا، ج: ۱؛ ص ۲۲۵) و پس از او، بسیاری از اهل سنت و شیعیان، به خصوص صاحبان کتب تجویدی آن را نقل کرده‌اند (سیوطی، ۱۹۹۶، ج: ۱؛ ص ۲۲۱؛ ضباع، بی تا: ص ۳۲؛ نصر، ۱۴۱۲ق: ص ۲۲۱؛ صفاقسی، بی تا: ص ۵۴؛ مصرفی، بی تا، ج: ۱؛ ص ۴۱، ۳۶۵؛ موسوی، ۱۳۸۱: ص ۱۶۹؛ حاج اسماعیلی، ۱۴۰۸ق: ص ۷۸ و ...). البته برخی هم آن را بدون ذکر قائلی ذکر کرده‌اند. (عظیم آبادی، ۱۴۱۵ق، ج: ۴؛ ص ۲۳۷؛ مبارکفوری، ۱۹۹۰، ج: ۸؛ ص ۱۸۷)

۹- «التَّرْتِيلُ: تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَ مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ». این تعبیر را ظاهراً فقط سمعونی از متأخران و به طور مرسل از امام علی علیه السلام نقل کرده است (سمعونی، ۱۴۱۶ق، ج: ۲؛ ص ۸۳۹) که در حقیقت همان تعبیر قبلی است؛ جز آنکه به جای الوقوف، الوقف و به همان معنا آمده است.

۱۰- «التَّرْتِیلُ: مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ وَ مَعْرِفَةُ مَخَارِجِ الْحُرُوفِ» و ۱۱- «التَّرْتِیلُ: إِخْرَاجُ الْحُرُوفِ وَ مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ». این دو تعبیر را فقط قحطانی از معاصران و به صورت مرسل از امام علی علیه السلام نقل کرده است (قحطانی، بی تا، درس ۷: ص ۱۵ (تعبیر نخست)، درس ۳۵: ص ۴، درس ۵۶: ص ۶ (تعبیر دوم)).

خلاصه آنکه در خصوص حدیث الترتیل که از جهت لفظ متفاوت، اما از جهت معنا مشترک‌اند، باید گفت:

الف) به احتمال قوی این حدیث در ابتدا به یکی از اشکال بالا بوده، بعدها دیگران بنا بر حافظه خود از این حدیث با رعایت معنای کلی از آن یاد کرده و در نتیجه، شکل‌های مختلفی یافته است.

ب) این حدیث در هیچ منبعی با سند ذکر نشده و نخستین بار هذلی (هذلی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۳۲) آن را در قرن چهارم نقل می‌کند و در کتب حدیثی معتبر و قدیمی مشاهده نشده است، بلکه هر تعبیری نیز در ابتدا فقط در یک منبع ذکر شده و دیگر منابع به نقل از آن منبع، آن را ذکر کرده‌اند.

ج) هرچند بیشتر این تعبیر در مواردی به امام علی علیه السلام منسوب است، اما در مواردی، در قائل آن اختلاف و اضطراب بوده و هیچ یک از این انتساب‌ها، دارای سند و قراین دال بر صحت صدور از قائل آن نیست، بلکه نزد برخی، قائلی ندارد و از این رو گفته شده نسبتش به امام علی علیه السلام ضعیف است. (محقق نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۱۷۷؛ جواهری، ۱۳۶۵، ج ۹: ص ۳۹۶؛ همدانی، بی تا، ج ۲: ص ۳۰۶)

د) متذکر می‌شود اصطلاح «تجوید» در مباحث تجویدی، ظاهراً برای نخستین بار توسط، سعیدی، علی بن جعفر بن سعید (م ۴۱۰ق)، صاحب کتاب «التنبيه على اللحن الجلی و اللحن الخفی» به کار رفته است (حمد، ۱۴۲۲ق: ص ۶۶)، از این رو در این تعبیر، تجوید به معنای اصطلاحی و شایع امروزی به کار نرفته، بلکه مراد، تجوید حروف و ادای درست آنهاست. (همچنین، ر.ک: بستانی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۹-۱۴۱)

ه) این حدیث در نهایت به روش خواندن قرآن که تجوید حروف و معادل تبیین حروف و کلمات نزد لغویان است، تصریح دارد؛ البته همراه با رعایت وقف که باز می‌تواند داخل در تبیین حروف و کلمات باشد.

۲. معنای «و رتل القرآن ترتیلاً»

در معنای «و رتل القرآن ترتیلاً» (مزمل: ۴) گفته شده که آن یعنی: «بَيْنَهُ تَبْيَانًا وَلَا تَهْدَهُ هَذَا الشُّعْرُ وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلَكِنْ افْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ»؛ «آن را نیک بیان کن و مانند شعر آن را به شتاب نخوان و مانند شن آن را پراکنده نکن، اما دل‌های سخت خود را بدان هشدار بدهید، و همت آن نداشته باشید که تا آخر سوره بخوانید.» این حدیث به صورت مسند (با سندی حسن) از امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۶۱۵)، و به طور مرسل از پیامبر و امام علی علیه السلام (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۱۶۲) یا از امام علی علیه السلام (ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۵۱-۵۰) نقل شده است.

البته این تعبیر پیش‌تر به صورت مرسل و بدون انتساب به کسی با نقصانی، به این گونه آمده است: «بَيْنَهُ تَبْيَانًا وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلَا تَهْزُهُ هَزَّ الشُّعْرِ وَلَكِنْ افْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ» (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ص ۳۹۲). یا با زیادتى اما گاهى مسند و گاهى مرسل و فقط توسط اهل سنت چنین نقل شده است: «بَيْنَهُ تَبْيَانًا وَلَا تَنْثُرُوهُ نَثْرَ الدَّقْلِ وَلَا تَهْدُهُ هَذَا الشُّعْرُ قِفُوا عِنْدَ عَجَانِيهِ وَحَرِّكُوا بِهِ الْقُلُوبَ وَلَا يَكُونَنَّ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۴۰۳، ج ۷، ص ۱۸۶؛ آجرى، ۱۴۲۶ق: ص ۴؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ص ۱۶۶؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۲۵۰؛ سیوطی، ۱۹۹۶، ج ۱: ص ۳۶۷؛ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۱۵۸؛ قاضی نعمان، ۱۳۸۳ق، ج ۱: ص ۱۶۲؛ راوندی، بی‌تا: ص ۱۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۱۶۲؛ متقی هندی، ج ۲، ص ۳۱۸). متذکر می‌شود دو کتاب اخیر تصریح دارند که این حدیث را از ابواحمد عسکری حسن بن عبدالله (م ۳۲۸ق)، از کتابش «الزواجر و المواعظ»، یعنی با فاصله شش قرن از صدر اسلام نقل کرده‌اند که متأسفانه اصل این کتاب در دسترس نیست.

البته شبیه همین حدیث از ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، ولی در ابتدای آن «یا ابن عباس إذا قرأت القرآن فرتله ترتیلاً و بینة تبیاناً...» آمده (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ص ۳۶۰، سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ص ۳۱۴؛ فتنی، ۱۳۴۳ق: ص ۷۸) و «بینة تبییناً» به «رتله ترتیلاً» عطف شده؛ گویی دو مطلب جداگانه‌ای می‌باشند. ضمناً با وجود آنکه دیلمی (م ۵۰۹ق) سندی برای این حدیث ذکر نکرده، اما برخی از متأخران اهل سنت، سندش را بسیار ضعیف شمرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ص ۳۱۴؛ فتنی، ۱۳۴۳ق: ص ۷۸)، بلکه تصریح به موضوع بودنش نموده‌اند (فتنی، ۱۳۴۳ق: ص ۷۸). همچنین حدیثی دیگر از ابن مسعود به صورت مسند، شبیه حدیث بالا وجود دارد که صرفاً درباره



خواندن قرآن است: «أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَحَرَّكُوا بِهِ الْقُلُوبَ لَا يَكُونُ هَمُّ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ» (بيهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۱۳). در خصوص این حدیث نیز باید گفت:

۱- صرف نظر از اختلاف در خصوص قائل اصلی حدیث و نیز در برخی از الفاظ آن، این حدیث ظاهراً نزد اهل سنت تا اوایل قرن چهارم (ابن ابی شیبه و عسکری، هر دو معاصر کلینی و قمی) قدمت داشته و به حدیث شیعه از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام یا از امام علی علیه السلام بسیار شبیه بوده و انتساب آن به امام علی علیه السلام نزد فریقین دیده می‌شود؛ هرچند مسنداً به ابن عباس و ابن مسعود منسوب است.

۲- مضمون این حدیث با معنای لغوی کلمه ترتیل، از حیث ادای دقیق و صحیح حروف و حرکات، همسویی دارد و نیز با حدیث الترتیل؛ بدین گونه که صدر حدیث به معنای ادای حروف و ذیل آن، یعنی «لَا يَكُنْ هَمُّ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ»، رعایت مواضع وقف باشد. البته تعبیری چون تدبیر در عجایب و تکان دادن دل‌ها نیز که در برخی از اشکال این حدیث آمده، از مستلزمات قرائت با دقت و صحیح می‌باشد، نه از معانی اصلی کلمه.

۳- امام صادق علیه السلام: «...إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يَقْرَأُ هَذْرَمَةً [به سرعت و شتاب] وَلَكِنْ يُرْتَلُ تَرْتِيلاً فَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَحَفِّفْ عِنْدَهَا وَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَحَفِّفْ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ...». این حدیث با سند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: صص ۶۱۸، ۶۱۹) و مرسل (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۷۱) نقل شده که شبیه به حدیث قبلی از حیث اشتغال آن در معنای عدم شتاب و نیز تفکر است. البته مرسل، اما به این شکل: «التَّرتِيلُ إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَاسْأَلِ الْجَنَّةَ» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۱۶۲، ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۵۱) یا «يُنْبَغِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى، أَنْ يُرْتَلَ فِي قِرَائَتِهِ فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ أَوْ ذِكْرُ النَّارِ، سَأَلَ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا النَّاسُ وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، يَقُولُ لَبَّيْكَ رَبَّنَا» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۱۲۴؛ محقق حلی، بی‌تا، ج ۲: ص ۱۸۱، علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۱۵۷؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ص ۳۳۵) نیز آمده که ظاهراً اصل حدیث، همان حدیث کلینی است که چه بسا از روی حفظ، از آن در کتاب‌های متأخران یاد شده است، با این تفاوت که در نسبت به نقل کلینی، جنبه

ظاهری معنای ترتیل که در حقیقت معنای لغوی و غالب آن است، یعنی عدم شتاب کردن در خواندن، نیامده است.

۴- به صورت مرسل از امام صادق علیه السلام آمده: «التَّرتیلُ: أَنْ تَتَمَكَّتَ فِيهِ وَ تُحَسِّنَ بِهِ صَوْتَكَ» (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ص ۱۶۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۷۱). همچنین طبرسی این قول امام صادق علیه السلام را معاضد این سخن قطرب (م ۲۰۶م) می‌داند که ترتیل را خواندن قرآن به صوتی حزین دانسته است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۱۶۲) که ظاهراً چندان به آن مربوط نیست و دلیلی ندارد که تحسین صوت، تحزین آن باشد. برخی همچنین به طور مرسل از امام صادق علیه السلام، اما با ارجاع به طبرسی نقل کرده‌اند: «التَّرتیلُ: أَنْ تَقْرَأَ بِصَوْتِ حَزِينٍ وَ تُحَسِّنَ بِهِ صَوْتَكَ» (ابن ابی الجهمور، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۵۱) که ظاهراً بین سخن منسوب به امام علیه السلام و سخن منسوب به قطرب، به اشتباه جمع شده است. البته قول منسوب به قطرب، خود - همچنان که خواهد آمد - بعدها به صورت یک تعریف از ترتیل و به شکل «خَفْضُ الصَّوْتِ وَ التَّحْزِينُ بِالْقِرَاءَةِ»، اما بدون قائل ذکر شده است. (جرجانی، ۱۴۰۳ق: ص ۵۵)

به هر حال، این حدیث فقط نزد شیعه و در کتب غیر حدیثی دیده می‌شود و نمی‌توان به آسانی آن را به امام نسبت داد. ضمن اینکه کسی دیگر، معنای صوت حسن را داخل معنای ترتیل نگرفته و سخن از مکث و تأنی نیز معمولاً پس از معنای نیک ادا کردن حروف و کلمات، بدان اشاره دارند.

در مجموع باید گفت عموم احادیث این باب، چه معتبر و چه غیر معتبر آن، بر محوریت ادای درست، شمرده و آشکار حروف و کلمات دلالت دارند.

ترتیل در تفسیر

پیش از ذکر معانی ذکر شده در تفاسیر، متذکر می‌شود که مراد از این معانی، سخنانی است که در تفاسیر از غیر معصوم ذکر شده باشد.

واژه ترتیل در دو آیه (فرقان: ۳۲ و مزمل: ۴) وارد شده که از حیث مرتل با هم تفاوت دارند. در آیه اول، مرتل خداوند و در دومی، پیامبر صلی الله علیه و آله است و این تفاوت موقعیت، منجر به تفاوت معنای ترتیل شده است. از این رو معنای این واژه در هر دو آیه به طور مستقل بررسی می‌شود.



۱. ترتیل در آیه ۳۲ فرقان

«وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» معنای ترتیل در اینجا دارای دو جنبه کلی است:

یکم: ظاهری که در خصوص نحوه نزول و ادای حروف و کلمات بوده و به شکل‌های زیر آمده است:

۱- نزول تدریجی و دنبال هم فرستادن آیات (تفرقةً قليلاً قليلاً، شيئاً فشيئاً، ...) (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ص ۲۳۴؛ فراء، بی‌تا، ج ۲: ص ۲۶۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹: ص ۲۶۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳: ص ۲۹؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ص ۲۶۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۲۲۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴: ص ۴۵۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ص ۲۷۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ص ۱۲۴؛ أبوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۶: ص ۲۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵: ص ۲۱۰).

۲- نزول تدریجی و بدون شتاب (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹: ص ۲۶۶) که از نظر برخی، همان مبین و آشکار نازل کردن قرآن است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ص ۴۷۵)

۳- نزول تدریجی همراه با تبیین (حروف و کلمات). (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ص ۲۶۶)

۴- نزول تدریجی همراه تبیین و عدم شتاب. (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ص ۴۹۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ص ۲۷۹)

ملاحظه می‌شود در اینجا، به‌جز معنای نزول تدریجی، معنای ترتیل با معنای لغوی ترتیل (آشکار و درست ادا کردن الفاظ) منطبق است و به‌طور قطع، اضافه معنای نزول تدریجی به معنای لغوی نیز به جهت مرتل‌کننده، یعنی خداوند و ملاحظه نحوه نزول قرآن از سوی وی است، وگرنه در معنای لغوی این کلمه، چنین معنایی ذکر نشده است.

دوم: معنوی که نزول قرآن همراه تفسیر است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹: ص ۲۶۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷: ص ۲۶۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۲۲۷، ج ۵، ص ۷۰؛ أبوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۱۰۴؛ أبوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۶: ص ۲۱۶). این معنا که در آن اشاره‌ای به معنای لغوی نشده، قطعاً با ملاحظه مرتل قرآن، یعنی خداوند و توقع نزول قرآن همراه با تفسیر است و چنین معنایی البته بسیار از معنای لغوی و اصلی کلمه است.

۲. ترتیل در آیه ۴ مزمل

«وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» ترتیل در اینجا دارای دو جنبه است:

یکم: ظاهری که می‌توان آن را به گونه‌های زیر جمع‌بندی کرد:

۱- ادای مرتبط به کلمات و حروف که از آن چنین تعبیر شده است:

الف) خواندن بدون شتاب (ترسّل، تمهّل، تؤدّه) (فراء، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۹۷؛ طبری، ج ۲۳، ص ۶۸۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۵۶۹؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۲۶۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۲۷۷؛ أبوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۶: ص ۲۱۶)؛ مانند آنکه چند آیه به چند آیه بخواند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۲۷۷) تا بر فهم قرآن و تدبرش کمک کند. (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ص ۲۶۱).

ب) خواندن بدون شتاب با تبیین و واضح و آشکار بیان کردن حروف و اشباع حرکات و سه آیه چهار آیه پنج آیه. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ص ۴۷۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳: ص ۶۸۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ص ۲۶۶؛ ج ۱۰، ص ۵۶۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۶۳۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ص ۲۵۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱: ص ۱۷؛ أبوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۹: ص ۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ص ۶۱) (ج) خواندن همراه تبیین حروف و حرکات (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳: صص ۶۸۰، ۶۸۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۶۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۲۷۷) تا آدمی هم خود معانی الفاظ را بفهمد، و هم به دیگران آن را معانی را بفهماند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۶۹). و گفته شده که چنین قرائتی با شتاب ممکن نیست (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۵۶۹) و شاید مراد از قرائت حرف به حرف، همین معنا باشد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ص ۳۷). در حقیقت این معنا داخل در معنای پیشین است، بلکه می‌توان گفت هر سه معنا در حقیقت به یک معنا برمی‌گردد که همان واضح و روشن ادا کردن حروف و حرکات قرآنی با تأنی و بدون شتاب است؛ معنایی که بر معنای لغوی کلمه منطبق است. ضمن اینکه این معنا بیشترین فراوانی و تکرار را در تفاسیر دارد.

۲- ادای مرتبط به نوع صوت و در اینجا خواندن به حزن است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۵۶۹) که گفته شد این معنا به قطرب منسوب است (همان) که بعدها به‌صورت یک تعریف از ترتیل «خَفْضُ الصَّوْتِ وَالتَّخْزِينُ بِالْقِرَاءَةِ» اما بدون انتساب به کسی درآمد (جرجانی، ۱۴۰۳ق: ص ۵۵؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۲۹: ص ۳۳) و گفته شد که نزد



برخی (ابن ابی الجمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۵۱) با حدیثی منسوب به امام صادق علیه السلام در آمیخته شد که پیش‌تر در این باره سخن رفت.

برخی در اینجا بر آن هستند که این معنا از «رتل»، به معنای ضعف و لین است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰: ص ۵۶۹). اما چنین معنایی در کتب لغت و غیره برای ترتیل ذکر نشده است.

دوم: معنوی که آن را فهم عجایب و لطایف و معانی (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳: ص ۲۵۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ص ۳۸) و تفسیر و تفهیم قرآن برای دیگران (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹: ص ۲۶۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۲۷۷) گفته‌اند که باز معنایی به دور از معنای لغوی و با شیوع و تکرار بسیار اندک میان تفاسیر است؛ هرچند معنای فهم عجاب و ...، به گونه‌ای در احادیث و قرائت مطرح شده است.

حاصل آنکه ترتیل در هر دو موضع، به معنای ادای صحیح و روشن و آشکار حروف و کلمات همراه با تأنی و ترسل گرفته شده که مطابق معنای لغوی این کلمه است. اما افزون بر آن، در موضع نخست، مفهوم نزول تدریجی همراه معنای لغوی و در موضع دوم، مفهوم تحزین صوت و نیز درک معانی قرآن و تدبّر در آن، هر یک به تنهایی برای معنای ترتیل آمده که ظاهراً توسعه در معنای ترتیل در موضع دوم، به جهت مخاطب آن، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بنا بر قرینه حالیه و بالتبع مسلمانان است؛ زیرا از آنجا که انتظار می‌رود بنا بر آیات صریح قرآن (نساء: ۸۲، محمد صلی الله علیه و آله و سلم: ۲۴)، آدمی قرآن را برای فهم آن و تدبّر در آن بخواند، چنین معنایی را در این لفظ لحاظ کرده‌اند و در حقیقت، اضافه کردن معنای تدبّر به معنای لغوی ترتیل از سوی برخی مفسران، امری اجتهادی و تحت تأثیر ذهنیت آنان از وظیفه یک مسلمان نسبت به قرآن است. اما در موضع نخست، معنای «حول نحوه» تلفظ حروف و کلمات و نیز تدریجی بودن آن است که با فاعل ترتیل سنخیت دارد؛ زیرا متوقع نیست خداوند که قرآن را بر پیامبرش به وحی می‌خواند، در معنای آن نیز تدبّر و تأمل کند. معنای تحزین صوت نیز از جمله معنای اجتهادی و چه بسا متأثر از نحوه قرائت مطلوب زمان قطرب بوده و از این رو فقط در موضع دوم مطرح شده که فاعل آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بالتبع پیروان ایشان می‌باشد و در موضع نخست که فاعل خداوند است، قطعاً از قرائت به حزن متصور نبوده و از این رو در آن موضع از این معنا یاد نشده است.

ترتیل در قرائت

یادآور می‌شود عموم صاحبان کتب تجویدی و قرائت در تعریف ترتیل، به حدیث «التَّرْتِيلُ: تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَ مَعْرِفَةُ الْوُقُوفِ» (در اشکال مختلف آن) اشاره دارند (ابن الجزری، بی‌تا، ج ۱: ص ۲۲۵؛ ضیاع، بی‌تا: ص ۳۲؛ نصر، ۱۴۱۲ق: ص ۲۲۱؛ صفاقسی، بی‌تا: ص ۵۴؛ مرصفی، بی‌تا، ج ۱: صص ۴۱، ۳۶۵؛ موسوی، ۱۳۸۱: ص ۱۶۹؛ حاج اسماعیلی، ۱۴۰۸ق: ص ۷۸) که در محل خود به‌عنوان حدیث، ذکر و بحث شد. در اینجا فقط به تعاریفی پرداخته می‌شود که مختص صاحبان کتب تجوید و قرائت است. این تعاریف عبارت‌اند از:

- ۱- خواندن با تفکّر. (هذلی، ۱۴۲۸ق: ص ۹۶)
- ۲- خواندن با تبیین (حروف و حرکات). (ابوشامه، بی‌تا: ص ۲۷۳)
- ۳- خواندن بدون شتاب همراه با تبیین و تدبّر و فهم معنای آیات (تا آنجا که نزد آیات رحمت، توقف کرده و بدان خشنود شود و نزد آیات عذاب و تهدید، توقف کرده و اظهار ایمان کند و طلب آمرزش نماید). (زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱: ص ۴۴۹)
- ۴- خواندن بدون شتاب و شمرده و تدبّر. (ابن الجزری، بی‌تا، ج ۱: ص ۲۰۷؛ سیوطی، ۱۹۹۶، ج ۱: صص ۳۴۶، ۳۶۸)
- ۵- خواندن بدون شتاب با تدبّر معانی و مراعات احکام تجوید. (مرصفی، بی‌تا، ج ۱: ص ۵۰؛ نصر، ۱۴۱۲ق: ص ۱۹)

ملاحظه می‌شود که ترتیل در تعریف بیشتر علمای قرائت، متضمّن معنای تدبّر و سپس بدون شتاب خواندن (معنای لغوی ترتیل)، و نزد متأخران افزون بر این دو، مراعات احکام تجوید است و چه بسا غلبه معنای تدبّر و تفکّر در قرائت قرآن، به‌جهت هدف از تعلیم و تعلّم قرآن است که همان تدبّر قرآن می‌باشد. اما معنای لغوی شامل این معنا نیست؛ هرچند در عمل هر خواندنی به قصد فهمیدن و تدبّر است و هرچند چنین معنایی در برخی از احادیث و تفاسیر ذکر شده است. معنای «رعایت احکام تجوید» نیز به احتمال زیاد تحت تأثیر حدیث ترتیل به معنای ترتیل اضافه شده است؛ هرچند در آن حدیث، رعایت وقف نیز ذکر شده است.



ترتیل در فقه

در فقه، در معنای ترتیل که در بحث ادای اذان و حمد و سوره مطرح می‌شود، بعضی به معنای لغوی آن، احادیث مرتبط به آن و دیدگاه‌های مفسران و فقهای پیشین اکتفا کرده و برخی افزون بر ذکر موارد بالا، خود تعریفی به اتکای موارد مذکور ارائه داده‌اند که در اینجا این تعاریف خاص ذکر می‌شود. متذکر می‌شود که در بحث حدیثی معنای ترتیل، برخی از منابع فقهی که حدیث ترتیل را آورده‌اند، به قصد بررسی تاریخ و لفظ آن ذکر شده‌اند.

تعاریف فقها از ترتیل با ملاحظه تاریخ وفات ایشان از این قرار است:

- ۱- تبیین [حروف و کلمات] با دقت و تأنی. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۲۱۴)
- ۲- تبیین قرائت [حروف و کلمات] بدون مبالغه. (محقق حلی، بی تا، ج ۲: ص ۱۸۱)
- ۳- تبیین کلمات بدون آهستگی بیش از حد. (نووی، بی تا، ج ۱: ص ۳۱۰)
- ۴- بیان حروف و اظهار آنها و عدم مدّ آنها؛ به گونه‌ای که شبیه غنا شود. (حلی، ۱۴۱۰ق: ص ۴۷۶)
- ۵- تبیین حروف به صفات معتبر از همس، جهر، استعلاء، اطباق، غنه و مانند آن. (شهید اول، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۶)
- ۶- بیان حروف و طول دادن وقف‌ها بدون هیچ شتابی. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۵۸۲)
- ۷- تبیین حروف و عدم آمیختگی آنها در یکدیگر. (شیخ بهائی، بی تا: ص ۲۱۴)
- ۸- درنگ و تأنی در ادای حروف. (شروانی و عبادی، بی تا، ج ۲: ص ۱۰۱)
- ۹- ترسل و تأنی در قرائت به سبب محافظت بر کمال بیان حروف و حرکات. (جوهری، ۱۳۶۵، ج ۹: ص ۳۹۲)
- ۱۰- تأنی در قرائت و تبیین حروف، به گونه‌ای که شنونده بتواند آنها را بشمارد. (حکیم، مستمسک العروة، ج ۶، ص ۲۷۳)
- ۱۱- ادای حروف از مخارجشان؛ تبیین حروف و ایفای حقشان از اشباع، بدون هیچ شتابی در قرائت. (فتح الله، ۱۴۱۵ق: ص ۱۰۶)
- ۱۲- درنگ و تمهّل در قرائت. (قلعجی، ۱۴۰۸ق: ص ۱۲۷)

ملاحظه می‌شود که این تعاریف با همه تفاوت‌های لفظی، بسیار نزدیک به تعریف لغویان از این کلمه است و برخی از فقها نیز بر این نکته تصریح کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج: ۱؛ ص: ۶۰۳؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج: ۳؛ ص: ۵۳۶). همچنان که چنین معنایی بر معنای غالب در احادیث، تفاسیر و کتب قرائات منطبق است، تا آنجا که گفته شده چنین معنایی برای ترتیل، به جهت اقتضای زبان عربی و اتفاق قرآء و نحویان، مراد قرآن و احادیث است. (میرزا قمی، بی‌تا: ص: ۲۷۵؛ جواهری، ۱۳۶۵، ج: ۹؛ ص: ۳۹۱)

تطبیق و جمع‌بندی نهایی

ترتیل در لغت که نخستین مرجع تلقی می‌شود، به معنای ادای نیکو و آشکار حروف و حرکات همراه شمرده ادا کردن آنها و مأخوذ از معانی اصلی آن، یعنی مرتب بودن اشیاء می‌باشد.

ترتیل در تفسیر که در آیات ۳۲ فرقان و ۴ مزمل بدان پرداخته می‌شود، باز معنای لغوی در هر دو موضع مطرح و غالب است. افزون بر آن، در موضع نخست، مفهوم نزول تدریجی و در موضع دوم، مفهوم تحزین صوت و نیز فهم معانی قرآن یا تعلیم قرآن، هر یک به تنهایی و مستقل بدون معنای لغوی برای ترتیل ذکر شده که ظاهراً توسعه در معنای ترتیل در موضع نخست، با ملاحظه فاعل ترتیل، یعنی خداوند و نحوه نزول قرآن است؛ زیرا هم ثابت است که قرآن به تدریج نازل شده، و هم متوقع نیست که وحی خداوند همراه با تدبیر وی در معنای آن یا با صوتی حزین باشد. و در موضع دوم نیز به جهت ملاحظه پیامبر ﷺ به عنوان مرتل قرآن و بالتبع مسلمانان است؛ چه متوقع است بنا بر صریح آیات قرآنی (نساء: ۸۲، محمد ﷺ: ۲۴) که دلیل شرعی است، و نیز بنا بر قراین حالیه (با توجه به اهداف انزال کتب و وظیفه مخاطبان آن)، آدمی قرآن را برای فهم آن به قصد هدایت بخواند و مراد، صرف خواندن بدون تدبیر آن نیست. همچنان که به تجربه دیده شده که چنین متونی، با صوت حسن و مانند آن خوانده می‌شود.

در حدیث نیز صرف نظر از ضعف برخی از آنها، همچنان معنای لغوی ترتیل محوریّت دارد؛ هرچند افزون بر آن، معنای تفکر و تدبیر و صوت حسن نیز در احادیث آمده که گفته شد این معانی افزوده، احتمالاً بنا بر چه ملاحظاتی بوده است.



در قرائت باز معنای ترتیل به محوریت معنای لغوی، یعنی خواندن همراه تبیین و تأنی است؛ هرچند برخی تفکر و تدبیر و برخی از متأخران، مراعات احکام تجوید را نیز افزوده‌اند که باز ذکر معنای تدبیر برای این کلمه به‌تنهایی یا همراه تبیین حروف و کلمات، با ملاحظه وظیفه مسلمانان نسبت به قرآن و قصد و غرض آنان از آموختن این کتاب الهی و موضع دوم ورود ترتیل در قرآن است.

اما تعاریف ذکرشده از ترتیل در فقه، با وجود تفاوت‌هایی که دارند، بسیار نزدیک به تعریف لغویان از این کلمه، بلکه مطابق آن است.

در نهایت باید گفت ترتیل در قرآن و مراد قرآنی، همان خواندن درست، دقیق و شمرده بدون شتاب (با تبیین و تأنی) است و معانی دیگر که بدان اضافه شده یا برای آن در نظر گرفته شده، در اصل لغوی و نیز معنای غالب نزد دیگر علوم اسلامی وجود نداشته و مطرح‌شدن آنها، به جهت ملاحظه امور خارج از معنای لغوی ترتیل و متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی زمانه است.

نتیجه‌گیری

۱- معنای لغوی ترتیل، خواندن به‌صورت شمرده‌شمرده (بدون شتاب)، با تبیین حروف و حرکات آنها و کلاً با محوریت نحوه تلفظ و ادای صحیح و دقیق حروف و کلمات، بر اساس عرف بیانی عرب است که چه بسا معادل آن، قرائتی دکلمه‌مانند باشد. این معنا صرفاً بر جنبه ظاهری تلاوت و قرائت دلالت دارد، نه جنبه معنوی؛ یعنی تفکر و تدبیر در معانی آیات یا تفهیم و تعلیم معانی آن. به‌ویژه آنکه ترتیل در قرآن، افزون بر پیامبر ﷺ، به خداوند نیز نسبت داده شده که قاعدتاً نمی‌تواند دربردارنده معنای تفکر و تدبیر باشد. ضمن آنکه عموماً ترتیل را از جمله آداب ظاهری تلاوت قرآن آورده‌اند (سیوطی، ۱۹۹۶، ج ۱: ص ۳۶۷). همچنان‌که این معنا در احادیث و نزد قرآء و به‌ویژه فقها، به‌طور مطلق نیز دیده می‌شود و فقط برخی از مفسران در تفسیر آیه ۳۲ سوره فرقان، افزون بر این معنا، نزول تدریجی، و در آیه ۴ سوره مزمل، تفکر و تدبیر و صوت حسن را ذکر کرده‌اند که اضافه این معانی بر معنای لغوی ترتیل، بنا بر قراین حالیه و استنباط شخصی خود مفسر بوده است، وگر نه هم این معانی داخل در معنای لغوی



ترتیل نیستند، و هم اکتفا به معنای لغوی در هر دو آیه، خللی در مراد قرآن وارد نمی‌کند.

۲- فهم الفاظ بنا بر عرف و هنگام تلفظ آنها، بدین معنا که گوینده می‌داند که چه می‌گوید، با تفکر و تدبّر که با فاصله اندک یا زیاد، پس از تلفظ کلمات و همراه تحقیق و پژوهش متکی بر منابع فهم متن (لغت، تاریخ، اسباب نزول و ...) و برای دستیابی بر لطایف و دقایق معانی انجام می‌شود، تفاوت دارد. با تسامح می‌توان فهم بنا بر عرف (فهم عرفی) هنگام تلفظ کلمات را امری واکنشی و تدبّر و تفکر را امری کنشی دانست. از این رو نفی معنای تدبّر و تفکر در اصطلاح ترتیل، به معنای نفی آن در خصوص تعامل با قرآن نیست، بلکه این امر بایسته، پس از ترتیل و تلفظ کلمات است.

۳- اصطلاح رایج ترتیل که قرائت قرآن به روشی خاص و متکی بر سرعتی خاص و صوت و لحن و نیز احکام تجویدی است، از اصطلاحات متأخران بوده و فقط در معنای ادای صحیح حرکات و حروف با تعریف قدما مشترک است.

۴- کاربرد لفظ ترتیل در قرآن با توجه به معنای مذکور، حاکی از آن است که قرآن، ذاتاً به صورت کلام حقیقی، نه رؤیا و مانند آن، بر پیامبر ﷺ وحی شده است؛ زیرا بنا بر ظاهر و صراحت قرآن و لفظ ترتیل، قرآن هم از سوی خداوند و هم از سوی پیامبر ﷺ خوانده شده و این تنها در کلام حقیقی متصور است.

فهرست منابع

۱. آجری، محمد بن حسین (۱۴۲۶ق)، *أخلاق حملة القرآن*، تحقیق احمد شحاته، اسکندریه: دار الصفا والمروة.
۲. ابن ابی الجمهور أحسانی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *عوالی الثالی*، تحقیق مجتبی عراقی، بی‌جا: بی‌نا.
۳. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ق)، *المصنف*، تحقیق سعید اللحام، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۹۹ق)، *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، تحقیق: طاهر احمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، بیروت: المكتبة العلمية.
۵. ابن إدريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، *السرائر*، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۶. ابن الجزری، محمد بن محمد (بی تا)، *النشر فی القراءات العشر*، تحقیق علی محمد ضبّاع، مصر: مطبعة مصطفى محمد.
۷. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷)، *جمهرة اللغة*، تحقیق رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.
۸. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۱۷ق)، *المخصص*، تحقیق خلیل ابراهیم جفال، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۹۸ق)، *غریب القرآن*، تحقیق احمد صقر، بی جا: دار الکتب العلمیة.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۲۰ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق سامی بن محمد سلامة، چاپ دوم، بی جا: دار طيبة للنشر والتوزيع.
۱۱. ابن مطرّز، ناصر الدین بن عبدالسید (۱۹۷۹)، *المغرب فی ترتیب المغرب*، تحقیق محمود فاخوری و عبدالحمید مختار، حلب: مكتبة أسامة بن زيد.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۱۳. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳)، *ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. أبوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل (بی تا)، *إبراز المعانی من حرز الأمانی*، بی جا: دار الکتب العلمیة.
۱۵. ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱)، *تهذیب اللغة*، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. اندلسی، ابوحيان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر.
۱۷. بروجردی، سید حسین (۱۴۱۶ق)، *تفسیر الصراط المستقیم*، تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی، قم: مؤسسه انصاریان.
۱۸. بستانی، قاسم (۱۳۹۲)، «تبارشناسی احادیث ترتیل»، *قرائت پژوهی*، سال اول، شماره اول، صص ۱۱۹-۱۴۱.
۱۹. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق عبد الرزاق المهدي، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. بهائی، محمد بن حسین عاملی (بی تا)، *الحبل المتین*، قم: منشورات مكتبة بصیرتی.

۲۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۲. بیگلری، حسن (۱۳۵۱)، *سّر البیان فی علم القرآن*، چاپ پنجم، بی‌جا: کتابخانه سنائی.
۲۳. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مکه مکرمه: مکتبه دار الباز.
۲۴. جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۳ق)، *التعریفات*، تحقیق جماعة من العلماء، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۵. جواهری، محمدحسن بن احمد (۱۳۶۵)، *جواهر الکلام*، تحقیق شیخ عباس قوچانی، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة*، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، چاپ چهارم، بیروت: دار العلم للملایین.
۲۷. حاج اسماعیلی، محمدرضا (۱۴۰۸ق)، *پژوهشی در قرآن و فنون قراءت به روایت حفص از عاصم کوفی*، اصفهان: صندوق قرض الحسنه أبو تراب علیه السلام.
۲۸. حکیم، سید محسن (۱۴۰۴ق)، *مستمسک العروة*، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (چاپ افست از روی چاپ سوم مطبعة الآداب نجف، ۱۹۶۹).
۲۹. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، *نهاية الأحكام*، تحقیق سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: مؤسسه إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع.
۳۰. _____ (۱۴۱۴ق)، *تذکرة الفقهاء*، تحقیق و چاپ مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم.
۳۱. حمد، غانم قدوری (۱۴۲۲ق)، *أبحاث فی علم التجوید*، عمان: دار عمار.
۳۲. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، *شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم*، تحقیق حسین بن عبد الله العمری، مطهر بن علی ایرانی، یوسف محمد عبد الله، بیروت: دار الفکر المعاصر، دمشق: دار الفکر.
۳۳. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *کتاب الصلاة*، قم: منشورات مدرسة دار العلم (افست).
۳۴. دیلمی، شیرویه بن شهردار (۱۴۰۶ق)، *الفردوس بمأثور الخطاب*، تحقیق سعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة.



۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، مفردات غریب القرآن، چاپ دوم، بی‌جا: دفتر نشر الكتاب.
۳۶. راوندی، فضل بن علی (بی‌تا)، النوادر، تحقیق سعید رضا علی عسکری، قم: مؤسسه دار الحدیث الثقافية.
۳۷. زبیدی، محمد بن محمد (بی‌تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مجموعه من المحققین، بی‌جا: دار الهدایة.
۳۸. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶ق)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهيم، بی‌جا: دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي وشركائه.
۳۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت: دار الكتاب العربی.
۴۰. سجستانی، محمد بن عزیز (۱۴۱۶ق)، غریب القرآن (نزهة القلوب)، تحقیق محمد أديب عبد الواحد جمران، سوریه: دار قتیبة.
۴۱. سمرقندی، محمد بن محمود (۱۴۲۰ق)، رُوحُ المرید فی شرح العقد الفرید، تحقیق إبراهيم عواد، بغداد: الجامعة الإسلامية.
۴۲. سمعونی، طاهر بن صالح (۱۴۱۶ق)، توجیه النظر إلى أصول الأثر، تحقیق عبدالفتاح أبوغدة، حلب: مكتبة المطبوعات الإسلامية.
۴۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۹۹۶)، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید المندوب، لبنان: دار الفكر.
۴۵. شروانی، عبدالحمید؛ عبادی، احمد بن قاسم (بی‌تا)، حواشی الشروانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۶. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۸ق)، الألفية والنقلية، تحقیق علی فاضل قائینی نجفی، بی‌جا: مكتب الإعلام الإسلامي.
۴۷. _____ (۱۴۱۹ق)، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

۴۸. شهيد ثانی، زين الدين عاملى (۱۴۱۰ق)، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية، تحقيق سيد محمد كلانتر، چاپ دوم، قم: منشورات جامعة النجف الدينية (نسخه افست).
۴۹. _____ (بى تا)، روض الجنان، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۵۰. صفاقسى، أبو محمد نورى (بى تا)، تنبيه الغافلين وارشاد الجاهلين، بى جا: بى نا.
۵۱. ضباع، على محمد (بى تا)، الإضاءة فى بيان أصول القراءة، بى جا: بى نا.
۵۲. طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۳۹۰ق)، الميزان فى تفسير القرآن، چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵۳. طبرسى، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق فضل الله يزدى طباطبايى و هاشم رسولى، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۵۴. طبرى، محمد بن جرير (۱۴۱۲ق)، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة.
۵۵. طريحي، فخرالدين (۱۳۶۷)، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، چاپ دوم، بى جا: مكتب النشر الثقافة الإسلامية.
۵۶. طوسى، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذيب الأحكام، تحقيق سيد حسن موسى خراسان، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۵۷. _____ (بى تا)، التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق احمد حبيب عاملى، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۵۸. عظيم آبادى، محمد (۱۴۱۵ق)، عون المعبود شرح سنن أبى داود، چاپ دوم، بيروت: دار الكتب العلمية.
۵۹. فتح الله، احمد (۱۴۱۵ق)، معجم ألفاظ الفقه الجعفرى، دامام: مطابع المدوخل.
۶۰. فتنى، محمد طاهربن على (۱۳۴۳ق)، تذكرة الموضوعات، بى جا: إدارة الطباعة المنيرية.
۶۱. فخر رازى، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، چاپ سوم، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۶۲. فراء، يحيى بن زياد (بى تا)، معانى القرآن، قاهره: دارالمصرية للتأليف والترجمة.
۶۳. فراهيدى، خليل بن احمد (۱۴۱۰ق)، كتاب العين، تحقيق مهدى المخزومى، إبراهيم السامرائى، چاپ دوم، بى جا: مؤسسة دار الهجرة.
۶۴. فيروزآبادى، محمد بن يعقوب (۱۴۲۶ق)، القاموس المحيط، چاپ هشتم، بيروت: مؤسسة الرسالة.



۶۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۶۶. قاضی نعمان، ابن محمد (۱۳۸۳ق)، دعائم الإسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره: دار المعارف.
۶۷. قحطانی، سعید بن مسفر (بی تا)، الدروس، بی جا: بی نا.
۶۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۶۹. قلجی، محمد (۱۴۰۸ق)، معجم لغة الفقهاء، چاپ دوم، بیروت: دار النفاث.
۷۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ق)، التفسیر، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، بی جا: بی نا.
۷۱. کرمانی، محمود بن حمزه (بی تا)، غرائب التفسیر و عجائب التأویل، جدّه: دار القبلة للثقافة الإسلامية، بیروت: مؤسسة علوم القرآن.
۷۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۷۳. مازندرانی، مولی محمد صالح (۲۰۰۰)، شرح اصول الکافی، تحقیق میرزا ابوالحسن شعرانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷۴. مبارکفوری، محمد عبدالرحمن (۱۹۹۰)، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷۵. مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳)، بحار الأنوار، چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷۶. محقق بحرانی، یوسف (بی تا)، الحدائق الناضرة، تحقیق محمد تقی ایروانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۷۷. محقق حلی، جعفر بن حسن (بی تا)، المعتبر، قم: مؤسسة سید الشهداء علیه السلام.
۷۸. محقق نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة، مشهد: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۷۹. مرصفی، عبدالفتاح السید عجمی (بی تا)، هداية القارى إلى تجويد كلام البارى، چاپ دوم، مدینه منوره: مکتبه طیبیة.
۸۰. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، التفسیر، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸۱. موسوی بلده، سید محسن (۱۳۸۱ق)، حلیة القرآن، چاپ ۲۸، تهران: احياء کتاب.

۸۲. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸۳. میرزا قمی، ابوالقاسم بن حسن (بی تا)، مناهج الاحکام، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۸۴. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۹ق)، مدارک التنزیل و حقائق التأویل، تحقیق یوسف علی بدیوی، بیروت: دار الکتب الطیب.
۸۵. نصر، عطیة قابل (۱۴۱۲ق)، غایة المرید فی علم التجوید، چاپ هفتم، ریاض: ناشر القاہره.
۸۶. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق)، مستدرک سفینه البحار، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۸۷. نووی، یحیی بن شرف (بی تا)، روضة الطالبین، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۸۸. هذلی، یوسف بن علی (۱۴۲۸ق)، الکامل فی القراءات والأربعین الزائدة علیها، تحقیق جمال بن السیدین رفاعی الشایب، بی جا: مؤسسه سما.
۸۹. همدانی، آقا رضا (بی تا)، مصباح الفقیه، تهران: انتشارات مکتبه النجاج.

